گزارش; امر جنسي؛ مسئله يا بحران؟

هدي فاطمي

زمزمه‌هايي که از اواخر دهه 70 آغاز شده بود و درباره جدي ‌بودن مسائل جنسي و شکسته‌ شدن مرزها در جامعه هشدار مي‌‌داد، امروز به فريادهايي رسا بدل شده است که با صراحت از بحران در مسائل جنسي و تأثير مستقيم آن بر فروپاشي خانواده سخن مي‌گويد و يا در لفافه، به ترويج ازدواج، اصلاح روابط ميان زوجين، آسيب‌شناسي طلاق و ترويج حجاب و عفاف مي‌پردازد. اگر چه هنوز برخي صاحب‌نظران اين موضوع را جزء مسائل اصلي کشور نمي‌‌شمارند و دلايلي براي خود دارند، اما روند تغييرات در سبک زندگي و نوع نگاه جامعه به مسائل، جنسي چنان سريع، وسيع و قهقرايي بود که بسياري از صاحب‌نظران، انديشمندان، دولتمردان و مردم عادي را نگران کرد و تحليل‌هاي گوناگوني درباره توصيف مسئله، عوامل ايجاد آن، پيامدهاي اين بحران و راهکارهايي براي برون‌رفت از اين وضعيت، مطرح شد. در اين گزارش مي‌کوشيم تا نمايي اجمالي از اين نگراني‌ها و تحليل‌ها را ارائه دهيم.

1- توصيف وضعيت موجود:

مسائل جنسي در جامعه امروز، ابعاد گوناگوني دارد که به تفکيک بايد مورد بررسي قرار گيرد؛ لازم است براي ابعاد گوناگون اين مسائل راهکارهايي مختلف، اما مرتبط با هم، در نظرگرفته شود.

1-1 رواج روابط آزاد

تغييرات را همه حس مي‌کنند. آنها که با بدنه جامعه حشر و نشر دارند، بيشتر و عميق‌ترآن را مي‌فهمند. اگر چه به دليل ضعف عمومي در سازمان‌هاي آمارگيري کشور و موانع فرهنگي براي نظرسنجي درباره اين موضوع حساس، آمار دقيقي وجود ندارد و اطلاعات نيز محرمانه است و در اختيار رسانه‌ها قرار نمي‌گيرد، اما شنيدن تجارب شخصي افراد و تحليل‌هاي صاحب‌نظران و دريافت‌هاي عمومي از فضاي جامعه مي‌تواند تصوير به نسبت دقيقي از وضعيت موجود ارائه دهد.

نياز جنسي، يک نياز طبيعي بشر است، اما بايد در چارچوب‌هاي شرع و عرف بدان پاسخ داد؛ اما امروز از چارچوب‌ها و خط قرمزها مي‌گذرد و اين روند، نگران‌کننده است. داشتن دوست‌دختر يا دوست پسر که روزگاري نه چندان دور در نظر بيشتر خانواده‌هاي ايراني بسيار زشت و غيرقابل قبول بود، اما ديگر بسياري از مردم در شهرهاي بزرگ و کوچک نسبت به اين موضوع حساس نيستند. سن آغاز اين روابط گاهي براي دختران، تا مقطع دبستان پايين آمده و تعداد نوجوانان و جوانان درگير در اين روابط در سنين بالاتر به شدت افزايش يافته است، به طوري که نداشتن دوستي از جنس مخالف در برخي مدارس، دانشگاه‌ها يا گروه‌هاي دوستي، موجب سرافکندگي است.

سطح روابط در اين نوع دوستي‌ها نيز با گذشته بسيار تفاوت دارد؛ پسرها معمولاً در مدت کوتاهي، تقاضاهاي نامشروع دارند و دخترها نيز بيش از گذشته به چنين تقاضاهايي پاسخ مثبت مي‌دهند. دخترها پيش از اين غالباً رابطه دوستي را به قصد ازدواج آغاز مي‌کردند، اما امروز تعداد دختراني که روابط آزاد بدون ازدواج را در دوستي‌هاشان مطرح مي‌کنند، بيشتر شده است. نگران‌کننده‌تر اينکه فرزندان بسياري از خانواده‌هاي کاملاً مذهبي نيز به شکل‌هاي گوناگون گرفتار اين مسئله شده‌اند. مشاوران و معلمان مدارس معمولي و اسلامي گفته‌هاي فراواني در اين زمينه دارند. در فضاهاي دانشگاهي نيز نمونه‌هاي متعددي از اين عملکردهاي متعارض ديده مي‌شود. جواناني که در مقابل خانواده ايستاده‌اند يا جواناني که هنوز باورها و تقيدات مذهبي دارند، اما در اين زمينه دچار لغزش شده‌اند و احساس گناه دارند يا رفتار خود را به شکل‌هاي گوناگون توجيه مي‌کنند. فضاهاي دانشگاهي در مجموع در مقايسه با گذشته بسيار متفاوت شده و روند تغييرات در سال‌هاي اخير سرعت گرفته است.

اواسط دهه هفتاد، برقراري رابطه‌اي مأخوذ به حيا معمولاً به قصد ازدواج و به بهانه رد و بدل کردن جزوه، زير نگاه کنجکاو ديگران، اتفاقي غيرعادي بود. اواخر اين دهه، دوستي با جنس مخالف آرام آرام همراه با رواج اردوهاي مختلط آغاز شد. امروز در بسياري از فضاهاي دانشگاهي به‌خصوص در شهرهاي بزرگ، وجود گروه‌هاي دوستي مختلط در کنار روابط خاص دو نفره، ديگر غيرعادي نيست. يعني ديگر خط قرمز‌هاي شرع و حرمت دوستي با جنس مخالف و لزوم رعايت حريم‌ها تا حد غض بصر در روابط، چندان رعايت نمي‌شود و حساسيت نسبت به آن در جامعه کاهش يافته است. با اين وجود همزمان با افزايش روابط آزاد، نارضايتي از محدوديت‌ها نيز افزايش يافته است. به اين معنا که هر چه حد و مرزها و خط قرمزها عقب‌تر مي‌روند، تقاضا براي آزادي‌ها بيشتر مطرح مي‌شود. پيش از اين مي‌خواستند دوستي با جنس مخالف با روابطي در سطح محدود به رسميت شناخته شود، اما امروز حق تسلط بر تن و حتي جنين ناخواسته مطالبه مي‌شود.

تغيير در الگوي ابتلا به بيماري ايدز در کشور نيز روند گسترش روابط آزاد را تأييد مي‌کند.

دکتر مرداني عضو کميته مراقبت و درمان ايدز در کشور به افزايش دو درصدي در آمار رسمي ابتلا از طريق رابطه جنسي اشاره مي‌کند و آمار واقعي را بيش از اين مي‌داند، زيرا انتقال ايدز در معتادان تا حد بالايي کنترل شده است و مبتلايان به ايدز، داشتن رابطه جنسي را کتمان مي‌کنند، بنا‌براين بيشتر موارد ناشناخته نيز از همين طريق منتقل شده است و آمار واقعي نزديک به 27 يا 28 درصد مبتلايان است.[1]

دکتر مينو محرز، رئيس مرکز تحقيقات ايدز وزارت بهداشت نيز در خرداد ماه 89 اعلام کرد در حدود 99 درصد بيماران جديدي که ثبت شده اند از طريق روابط جنسي ناايمن و خارج از چارچوب ازدواج مبتلا شده‌اند که اين امر از يک بحران اجتماعي خبر مي‌دهد.[2]

1-2 ناآگاهي نسبت به مسائل جنسي، تخريب‌کننده زندگي‌ها

برقراري رابطه زناشويي سالم، به آگاهي‌هاي گسترده روان‌شناختي و بهداشتي نياز دارد و بسياري از مشکلات شخصيتي و رواني کوچک و بزرگ زوجين بر کيفيت اين رابطه تأثير مي‌گذارد و کيفيت اين رابطه نيز کل زندگي خانواده‌ها را تحت تأثير قرار مي‌دهد. نداشتن آگاهي گسترده در اين زمينه، جامعه را دچار آسيب‌هاي جدي کرده است. دکتر سيد کاظم فروتن، سرپرست کلينک سلامت خانواده با ابراز نگراني از رشد طلاق در کشور، ريشه جدايي بيش از نيمي از زوج‌ها را مسائل جنسي معرفي مي‌کند.[3] اگر آمار تخميني بالايي که براي طلاق‌هاي عاطفي به دليل مشکلات در روابط زناشويي مطرح مي‌شود را به آمار رسمي اضافه کنيم، مسئله ابعاد جدي‌تري مي‌يابد. فقدان رابطه سالم و ارضاء نشدن اين نياز، پيامدهايي از جمله پرخاشگري، بي‌حوصلگي[4] يا نداشتن اعتماد به نفس[5] را به همراه دارد و کيفيت زندگي را به شدت پايين مي‌آورد. در بسياري از درخواست‌هاي طلاق، مسئله اصلي کتمان مي‌شود و طلاق با بهانه‌هاي ديگر که در اصل از همين مشکل ناشي شده است، صورت مي‌‌گيرد. در گذشته نيز بسياري از اين مشکلات وجود داشت، اما زن و مرد و به‌خصوص زنان به دليل فرهنگ حاکم بر جامعه حيا مي‌کردند و درباره آن سخن نمي‌گفتند يا توقعي نداشتند. تعدد فرزندان و سرگرم شدن به تربيت آنان نيز تا حدودي جايگزين کمبودها در اين رابطه مي‌شد.

دکتر فياض، عضو هيئت علمي دانشکده مردم‌شناسي دانشگاه تهران معتقد است در سال‌هاي اخير، «خودآگاهي جنسي در جامعه زياد شده است، به اين معنا که زن و مرد... مطالبات جنسي دارند و همه مي‌خواهند به اوج لذت برسند...به خصوص اين مسئله در ميان زنان خانه‌دار نمود بيشتري دارد. آنان ديگر مانند زنان سنتي به اين مقوله به صورت فرهنگي فکر نمي‌کنند. به همين دليل روابط جنسي در اشکال و روش‌هاي متنوع، گسترش پيدا مي‌کند.[6]اين نارضايتي که در گذشته تحمل مي‌شد، امروز به سادگي موجب جدايي همسران مي‌شود.

پاره‌اي از ناکامي‌هاي زوج‌هاي ميانسال در گذشته نيز متأسفانه امروز به شکل‌هاي گوناگون نمود مي‌يابد. گروهي از ميانسالان، متأثر از شرايط انقلابي در سال‌هاي جواني خويشتن‌داري کرده و روابط مورد نياز را نداشته‌اند و اکنون که به ميان‌سالي رسيده‌اند، و احساس مي‌کنند به اسم اخلاق، از لذت‌ها محروم شده‌‌اند.

رسانه‌هاي جنسي از جمله ويدئوها و فيلم‌ها و برنامه‌هاي شبکه‌هاي ماهواره‌‌اي نيز به احساس غبن آنان دامن مي‌زنند بزرگ‌نمايي نشود و در نتيجه مواردي از روابط جنسي در ميان اين قشر، آغاز شده است. مردان بيشتر اين روابط را بيرون از خانه پيگيري مي‌کنند، زيرا همسرشان توان لازم را براي راضي‌کردن آنان ندارد يا خاطره‌هاي تلخ ناکامي‌هاي گذشته را زنده مي‌کند، دسته‌اي از اين افراد به فرزندان خود توصيه مي‌کنند: «که از زندگي لذت ببريد و خودتان را مانند ما بدبخت نکنيد.» اين رفتار در ميان زنان شايع‌تر است، زيرا لذت رابطه زناشويي را درست نچشيده‌اند و حال که دخترشان به سن ازدواج رسيده است، مي‌فهمند لذت جنسي چيست. شبکه فارسي 1 در چنين شرايطي مورد استقبال قرار مي‌گيرد.[7]

دکتر باهر به نامه‌اي از يک مرد ميانسال اشاره مي‌کند که راهنمايي خواسته است. همسر اوپس از 17 سال زندگي مشترک با ديدن سريال ويکتوريا يادش آمده است که همسرش را دوست ندارد و رابطه عاشقانه تازه و پرهيجان مي‌خواهد.

زن جواني که بيش از 5 يا 6 سال از زندگي زناشويي‌اش نمي‌گذرد ، با ديدن سريال‌هاي شبکه فارسي1 نسبت به زندگي دلسرد شده است و هيجان يک عشق تازه و آتشين را مي‌خواهد. افزايش آمار خيانت زنان در مقايسه با گذشته، نشانه ديگري از وضعيت تازه است.

مردان در گذشته بيشترين خيانت‌هاي زناشويي را داشتند، اما دکتر باهر معتقد است امروز، تعداد زنان نيز افزايش مي‌يابد گويا زنان مي‌خواهند تقاص گذشته را بگيرند. ديگر نه عرف و نه شرع، مانعي بر سر راه آنان ايجاد نمي‌کند.

بخشي از ناکامي‌هاي جوانان قديم به عقده‌هاي روحي تبديل شده است و موجب آزار زوج‌هاي جوان امروز مي‌شود. دکتر فياض در مصاحبه با حوراء از روابط نه چندان سالم حدود 600 نفر از مادرزن‌هاي قمي با دامادهايشان مي‌گويد که به دلايل گوناگون در مرکز مشاوره ثبت شده است. او همچنين مي‌گويد مادر بسيار مذهبي يکي از دختران دانشجو، در روابط خصوصي او و همسرش دخالت مي‌کند تا حدي که دختر، بيمار شده است و قرص اعصاب مصرف مي‌کند و به جايي ديگر نقل مکان کرده است تا از اين عذاب‌ها دور شود.

1-3 رواج الگوهاي انحرافي در روابط

جامعه غربي به دليل زياده‌روي در ارضاي نيازهاي جنسي، به راه‌هاي نامناسب وگاه غيرانساني براي جبران سرد مزاجي روي آورده است و پرونوگرافي نيز به عنوان صنعتي بسيار پر درآمد و پررونق، سرمايه‌هاي کلان را جذب مي‌کند. استفاده از محصولات اين صنعت کثيف، الگوي انحرافي جديدي را در روابط جنسي وارد کشور کرده است. عضو هيئت علمي يکي از دانشگاه‌هاي معتبر و همچنين عضو مرکز مشاوره اين دانشگاه از افزايش شکايت زناني خبر مي‌دهد که همسران‌شان تقاضاهاي نامرسوم در روابط دارند و هنگامي که با مرد گفتگو مي‌شود، مي‌بينند که گاه همسرش را با ستاره فيلم‌هاي پرونو اشتباه گرفته است.

آمار تکان‌دهنده جستجوي سايت‌هاي پرونو به وسيله کاربران ايراني، انواع و اقسام سي‌دي‌هاي حاوي اين‌گونه فيلم‌ها که به راحتي مي‌توان آنها را کنار خيابان‌هاي شهرهاي بزرگ تهيه کرد، بلوتوث‌هايي که در مکان‌هاي عمومي رد و بدل مي‌شوند و برنامه‌هاي شبکه‌هاي ماهواره‌اي، نشان دهنده تغيير الگوي روابط است و از همين طريق نيز آموزش‌هاي غلط و گاه حرام و بيماري‌زا منتقل مي‌شود.

دکتر عليرضا شيري، مدرس بهداشت جنسي معتقد است يک نوجوان 15 ساله ايراني همه چيز را درباره مسائل جنسي مي‌داند، اما اطلاعات او عمدتاً بايد اصلاح شود، زيرا از منابع ناسالم دريافت کرده است. او بايد در کلاس‌‌هاي دانشگاهي‌اش انرژي فراواني صرف کند تا به دانشجويان اثبات کند آنچه مي‌دانند صحيح نيست و بايد نگاهشان را تغيير دهند.[8]

رسانه‌هاي جديد علاوه بر ايجاد تغيير در الگوي روابط و افزايش احساس نارضايتي، فضاي عمومي جامعه را نيز به شدت جنسي کرده‌اند که پيامدهاي آن را در افزايش آسيب‌هاي اجتماعي مي‌بينيم.

1-4 بحران يا مسئله؛ نگاه جمعيت‌شناختي

برخي معتقدند با بحران جنسي در جامعه مواجه هستيم، زيرا تعداد بالايي از مردم گرفتار مشکلاتي در اين رابطه هستند و رعايت نکردن اصول ارزشي و اخلاقي به طور نگران‌کننده‌اي در حال افزايش است، اما دکتر محمد تقي کرمي با تعبير بحران براي اين مسئله مخالف است. به نظر او، بحران زماني رخ مي‌دهد که بيشتر افراد در سن فعاليت غرايز جنسي، هنجارهاي اخلاقي و مذهبي را کنار گذاشته باشند. اگر چه آمار دقيقي در اين رابطه وجود ندارد. اما به نظر نمي‌رسد چنين وضعيتي داشته باشيم؛ بنابراين هر چند در حوزه مسائل جنسي با مشکل روبه رو هستيم، اما هنوز به حد بحران نرسيده است.

دکتر کرمي در تحليل مسئله جنسي در کشور، ضمن تأکيد بر لزوم بررسي دو رويکرد فرهنگي و جمعيت‌شناختي، رويکرد جمعيت‌شناختي را مورد توجه قرار مي‌دهد و بر آن اساس معتقد است بخشي از برجستگي اين مسئله به دليل ساختار هرم سني کشور است. در حال حاضر جمعيت افراد 20 تا 29 ساله در کشور ما حدود 18 ميليون نفر است. يعني 18 ميليون جوان در اوج خواسته‌هاي جنسي قرار دارند که اگر اين محدوده سني را تا 34 سال افزايش دهيم تا 26 ميليون نفر را در برمي‌گيرد. درصد فساد و بي‌بندو‌باري در چنين جامعه‌اي، هر چند چشمگير نباشد، به دليل فراواني بالاي کل جمعيت، عدد بزرگي خواهد شد. از لحاظ فرهنگي نيز وقتي جمعيتي در اکثريت بود، ارزش‌هاي گروه خود را به ارزش‌هاي مسلط در جامعه تبديل مي‌کند. به همين دليل اکنون مسئله جنسي، مسئله کل جامعه است و بر افراد کم سن و سال‌تر جامعه يا ميانسالان و افراد مسن نيز تأثير مي‌گذارد و آنان را نيز گرفتار تمايل به عشق‌هاي آتشين مي‌کند. زمينه بيشتر فيلم‌هاي روي پرده سينما نيز تا حدودي اين روند را نشان مي‌دهند. فيلم‌هاي دختر و پسري که اواخر دهه 70 آغاز شد و اکنون به سينماي زن و شوهري و در صد بالايي از خيانت رسيده است.

2- پيامدهاي مسئله جنسي

اگر چه برخي صاحب‌نظران با دکتر کرمي هم عقيده‌اند که هنوز دچار بحران جنسي نشده‌ايم اما کسي در روند نگران‌کننده شرايط و پوست‌اندازي جامعه شک ندارد. تزلزل خانواده و رواج زنا در جامعه از پيامدهاي خطرناک مسئله جنسي است. آمار طلاق رو به افزايش است و بخشي از طلاق‌ها به دليل نارضايتي در رابطه زناشويي اتفاق مي‌افتد و اين نارضايتي گاه به دليل ناآگاهي و بيماري‌هاي جسمي يا رواني است و گاه در اثر انتظارات نابجا و سبک‌هاي جديد زندگي، پديد آمده است.

بسياري از همسراني که کنار هم زندگي مي‌کنند، به طلاق عاطفي دچار شده‌ند. آمار خيانت در خانواده افزايش يافته است و در مقايسه با گذشته، زنان بيشتري حق خود مي‌د‌انند که به همسرشان خيانت کنند، زيرا مرد به او خيانت مي‌کند يا نمي‌تواند رضايت زن را جلب کند و زن ديگر نمي‌خواهد بسوزد و بسازد و مي‌خواهد حقش را از زندگي بگيرد.

مردان مجرد به راحتي مي‌توانند نيازهاي جنسي خود را خارج از چارچوب خانواده و بدون داشتن مسئوليت‌هاي سنگين و محدوديت‌هاي آن پاسخ دهند و از تنوع نيز برخوردار باشند. همين امکان انگيزه بسياري از آنان را براي ازدواج در سال‌هاي جواني کاهش داده است. فروريختن حريم‌هاي شرعي و عرفي که زنان براي روابط خود قائل بودند، همين رويکرد را در برخي دختران ايجاد کرده است و آنان نيازهاي خود را خارج از خانواده تأمين مي‌کنند. تعداد دختران مجرد بالاتر از30 ‌سال در جامعه زياد شده است و اين آمار در کنار افزايش تعداد زنان مطلقه، زمينه را براي تشديد آسيب‌هاي اجتماعي، بيشتر آماده‌ مي‌کند. اين شرايط در مجموع، نهاد خانواده را با آسيب‌هاي جدي و جبران‌ناپذير مواجه کرده است و زنا به عنوان يک گناه کبيره و فاسد‌کننده جامعه، آرام آرام قبح خود را از دست مي‌دهد و رواج مي‌يابد.

اگر فکري نشود، بحران‌هايي که نهاد خانواده در غرب با آنها روبروست، به زودي گريبانگير جامعه ايراني نيز خواهد شد. رواج همجنس‌گرايي، افزايش خانواده‌هاي تک‌والدي، افزايش بيش از پيش آمار طلاق و آمار سقط جنين، از آن جمله‌اند. اما چرا و چگونه به اينجا رسيده‌ايم و چطور مي‌توان اين روند را متوقف کرد؟

3- عوامل موجد و تشديد‌کننده

ناآگاهي درباره رابطه جنسي، سبک زندگي جديد، خوراک فرهنگي مسموم و رواج آموزه‌هاي سکولاريستي و ليبراليستي که به تضعيف باورهاي ديني منجر شده است، از عوامل ايجاد‌کننده و تشديدکننده در رابطه با مسئله جنسي به شمار مي‌آيند. در مورد ناآگاهي نسبت به اين رابطه در بخش توصيف شرايط، مطالبي آورديم.

3-1 سبک زندگي مدرن و طولاني شدن دوران تجرد

سبک زندگي جديد در کشور که ملغمه‌اي از سنت‌هاي گذشته و سبک زندگي غربي و ويژگي‌هاي خاص جامعه ايراني در شرايط گذار است، به افزايش سن ازدواج، افزايش تعداد مجردان و افزايش آمار طلاق منجر شده است. در گذشته دختران در حوالي سن بلوغ و پسران نيز در کمتر از بيست سالگي ازدواج مي‌کردند و زندگي مشترک را با حداقل امکانات و شغل ساده و کم‌درآمد، معمولاً در يک اتاق از خانه پدري آغاز مي‌کردند؛ اما با تغيير سبک زندگي در اين دوران، به گزارش سازمان ثبت احوال، متوسط سن ازدواج پسران در کل کشور 26 سال و دختران 22 سال است که اين آمار در شهر تهران يک سال افزايش مي‌يابد.[9] دليل افزايش سن ازدواج آن است که پسران مجبورند صبر کنند تا پس از پايان تحصيلات دانشگاهي با شغل آبرومند و امکان تهيه خانه و برگزاري مجالس عقد و عروسي براي ازدواج اقدام کنند. تهيه اين امکانات، بدون کمک پدر داماد، احتمالاً سن ازدواج را تا بالاي30 سال افزايش خواهد داد. اين در صورتي است که پسر به ازدواج تمايل داشته باشد وگرنه جماعتي نيز چنان‌که گفته شد بدون ازدواج و مسئوليت‌هاي آن، نيازخود را پاسخ مي‌گويند. سن ازدواج دختران را نيز موانع فرهنگي بالا برده است. بسياري از خانواده‌هاي تحصيل‌کرده گمان مي‌کنند ازدواج فرزندشان در سنين پايين، حتي اگر با بلوغ عقلي دختر و پسر همراه باشد، نشانه سطح نازل فرهنگ در خانواده است. اگر چه ازدواج دختران کم سن و سال در گذشته محروميت‌هاي فراواني به‌خصوص در زمينه رشد فردي و اجتماعي براي آنان به همراه داشت و ازدواج در سن پايين تداعي‌‌گر بي‌سوادي، فقر و بي‌فرهنگي خانواده‌ها بود، اما ذهنيت امروز خانواده‌ها نيز مشکلات جديدي ايجاد کرده است.

مسئله ديگر، تغيير نقش زنان در جامعه و خانواده است. تعداد زنان شاغل روز به روز افزايش مي‌يابد و در خانواده نيز برخلاف گذشته همسران استقلال مالي دارند. به عقيده دکتر فياض، اشتغال زنان از يک سو موجب کاهش فرصت‌هاي شغلي مردان و در نتيجه فراهم نشدن امکان ازدواج آنان مي‌شود، زيرا دختر بيکار منعي براي ازدواج ندارد، اما پسر بيکار هرگز نمي‌تواند ازدواج کند و به اين ترتيت يک دختر ديگر نيز همراه او مجرد خواهد ماند. از سوي ديگر، استقلال اقتصادي زنان، توقعات آنان را در انتخاب همسر افزايش داده است و ميزان تحمل آنان را در زندگي مشترک کاهش مي‌دهد، زيرا آنان مطمئن هستند در صورت طلاق مي‌توانند به راحتي زندگي مستقلي را اداره کنند. مجموع اين شرايط، موجب مي‌شود حدود دوازده تا بيست سال از دوران جواني و اوج نياز جنسي و تلاطم روحي جوانان دختر و پسر، در تجرد بگذرد، آن هم در شرايطي که تحريکات جنسي در جامعه بسيار بالاست و علاوه بر رسانه‌ها، رفتار و پوشش زنان و مردان در محيط‌هاي شغلي، تحصيلي و عمومي، پيام‌هاي جنسي دارد و زمينه براي ارضاي نامشروع نيازها کاملاً فراهم است. در کشورهاي غربي روابط آزاد پيش از ازدواج کاملاً پذيرفته شده است و اين فاصله با تمام آسيب‌هايي که براي نهاد خانواده دارد، پر مي‌‌شود، اما در جامعه ما هنوز راه مناسبي براي عبور از اين دوران پرتلاطم ارائه نشده است. توقع خويشتن‌داري از جوان براي اين همه سال، چندان واقع‌بينانه به نظر نمي‌رسد هر چند جواناني هستند که در همين دوران سخت نيز از پس مهار نفس خود برمي‌آيند.

3-2 آموزه‌هاي مدرن و ضعف باورهاي ديني

مشکل ديگر که موجب تشديد يا حتي به عقيده برخي موجب بروز مسئله جنسي در جامعه شده است، ضعف باورهاي مذهبي و نفوذ آموزه‌هاي سکولار در ذهن و دل مردم است. اگر‌چه داشتن انتظار رياضت‌هاي طولاني‌مدت و غيرمنطقي از جوانان، به حق نيست و دين اسلام نيز اهميت فراواني براي رفع اين نياز به طريق شرعي قائل است، اما دستورات مفصلي براي پيشگيري از تحريکات جنسي و خويشتن‌داري در مورد اين غريزه و همچنين ارزش بالاي اين خويشتن‌داري ارائه مي‌دهد؛ حضرت علي (ع) مي‌فرمايند: «عفت در رأس همه خوبي‌هاست». غض بصر براي زن و مرد، پوشاندن زينت‌ها و حتي رعايت لحن گفتار براي زنان، خلوت‌نکردن زن و مرد و کنترل افکار از اين دسته به شمار مي‌‌‌آيند؛ دستوراتي که امروز بسياري از آنها را حتي آنها که خود را مذهبي مي‌دانند، رعايت نمي‌کنند. براي مثال، شوخي‌کردن همکاران متأهل و نامحرم در محل کار يا درد و دل کردن آنان براي همديگر، گاه چنان عادي شده است که کسي متوجه گناه بودن اين رفتار و تأثير آن بر روابط همسران در خانه نيست.

فردگرايي و لذت‌محوري که در بطن تفکر مدرن وجود دارد افراد را به اين باور مي‌رساند که پيش از هر چيز و مهم‌تر از هر چيز، خود انسان و رفع نيازها و جلب لذت‌هاي اوست. اين نگاه، اهميت ارضاي اين غريزه را به هر قيمت، بسيار بالا مي‌برد و عفت‌ورزيدن را به امري بي‌حاصل کاهش مي‌دهد. از سوي ديگر آموزه‌هاي دين عرفي نيز به افراد کمک مي‌کند تا ميان اعتقاد به خدا و در نورديدن همه مرزهاي حلال و حرام جمع کنند و آن را به گردن قرائت‌هاي جديد از دين يا کم‌اعتباري فقه بيندازند. در ديند‌اري مدرن، کارکرد دين به کسب آرامش از طريق ارتباط با ماوراء‌الطبيعه تقليل مي‌يابد. کارکردي که عرفان‌هاي جديد و بدون خدا نيز از عهده آن برمي‌آيند. در اين نوع ديند‌اري خدا حق ندارد انسان را در هيچ زمينه‌اي محدود کند و اساساً خداي آنان ، موجود مهرباني است که فقط وجهه رحماني دارد و لبخند مي‌زند، بي‌آنکه امر و نهي کند.

4- راه‌هاي برون‌رفت

4-1 نگاه راه‌گشاي ديني، ازدواج آسان در سنين پايين

تلاش براي آسان‌کردن ازدواج و پايين‌آوردن سن آن و در واقع بازگشت به سنت نبوي، راه‌حلي است که بسياري از صاحب‌نظران براي برون‌رفت از اين شرايط آسيب‌زا و بحراني بر آن تأکيد مي‌کنند. دکتر فياض ازدواج دختر 15 ساله با پسر 20 را در صورت دريافت آموزش‌‌هاي دقيق در مسائل جنسي، مطلوب مي‌شمارد و معتقد است فاصله سن ازدواج و بلوغ نبايد از سه يا چهار سال تجاوز کند، زيرا آسيب‌هاي اجتماعي را در پي خواهد داشت. حقيقتي که احاديث ائمه عليهم‌السلام نيز بر آن تصريح مي‌کند، اما متأسفانه امروز اين سن براي ازدواج به ضد ارزش تبديل شده است. او الگوي ازدواج بسيار ساده و آسان حضرت علي و حضرت زهرا عليهما السلام را بهترين الگو براي ازدواج معرفي مي‌کند و معتقد است تنها راه برون‌رفت از بحران جنسي کنوني در جامعه، حذف تمام تشريفات و ساده کردن ازدواج است.

بسياري معتقدند جوان‌‌هاي امروز نپخته و لوس بار آمده‌اند و نمي‌توانند مسئوليت زندگي را به دوش بکشند، اما دکتر فياض اين مسئله را رد مي‌کند و معتقد است اساساً افراد با ازدواج، بزرگ، عاقل و مسئوليت‌پذير مي‌شوند و چه بسا مردان و زنان مجردي که از چهل سال گذشته‌اند، اما هنوز کودکي ايشان باقي مانده است. از طرف ديگر تا مرد ازدواج نکند، کار و کسب درآمد را جدي نمي‌گيرد.

او نقدي جدي بر رسانه ملي مطرح مي‌کند و آن اينکه رسانه ملي برخلاف فرهنگ اسلامي، برخي کارهاي سطح پايين و کم‌درآمد را ضدارزش و مايه سرافکندگي معرفي مي‌کند، در حالي‌که در فرهنگ آمريکايي که آن را نقد مي‌کنيم، هر کار شرافتمندانه‌اي ارزش به‌شمار مي‌آيد.

دکتر فياض يکي از مسئوليت‌هاي دولت جمهوري اسلامي را تهيه خانه‌هاي کوچک و ارزان قيمت براي آغاز زندگي زوج‌هاي جوان مي‌شمارد و معتقد است منابع مالي که در راستاي ترويج و آسان‌سازي ازدواج در سنين پايين هزينه شود، ما را از هزينه‌هاي چندين برابر در مقابله با آسيب‌هاي گوناگون اجتماعي بي‌نياز مي‌سازد.

براي ترويج ازدواج در سنين پايين بسيار توجيه مي‌شود و گام‌‌هاي کوچکي مانند اجازه تحصيل به دختران ازدواج‌کرده در دبيرستان‌هاي روزانه در دولت نهم تصويب شد، نه تنها هنوز کار فرهنگي جدي در اين زمينه انجام نشده است، بلکه تبليغات منفي عليه آن صورت مي‌گيرد؛ براي مثال سريال جراحت که رمضان 89 از رسانه ملي پخش شد، داستان ازدواج دختر عمو و پسرعمويي را در سنين پايين به تصوير کشيد. اين داستان مي‌‌توانست شيريني‌ها و مزيت‌هاي چنين ازدواجي را در ذهن و دل مخاطبان حک کند و در کنارش راه‌هاي غلبه بر مشکلات ازدواج در سنين پايين و تدبير خانواده‌ها براي رفع آن مشکلات را آموزش دهد، اما بيشتر بر مشکلات اين ازدواج‌ها تمرکز نموده بود.

دکتر کرمي نيز کوتاه کردن فاصله بلوغ تا ازدواج را راه‌حل مناسبي مي‌داند، اما معتقد است از يک سو نمي‌توان را به ازدواج در سنين پايين‌تر واداشت و از سوي ديگر اساساً بخشي از مسئله جنسي نه به دليل وضعيت فرهنگي است، بلکه از وضعيت هرم سني کشور و تعداد بالاي جوانان ناشي مي‌شود که تنها مي‌توان تصميم‌هايي با تأثير‌گذاري محدود، براي آن گرفت.

4-2 آموزش مسائل جنسي

يکي از خلأ‌هاي بسيار جدي در بحث مسائل جنسي، ناآگاهي وسيع مردم و نداشتن آموزش‌هاي صحيح و اثربخش است. مي‌توان آموزش‌هاي مورد نياز را بر اساس مخاطبان به سه دسته تقسيم کرد. زوج‌هاي جوان در آغاز زندگي به بسته‌هاي خاص آموزشي در اين زمينه نياز دارند. همسراني که مدتي از ازدواج آنان مي‌گذرد نيز ممکن است با مشکلاتي روبه‌رو شده باشند که براي رفع آن به آموزش نيازمند باشند. برپايي کلاس‌هاي اجباري پيش از ازدواج يا تهيه بسته‌هاي آموزشي شامل کتاب و لوح فشرده، از جمله پيشنهادهايي است که براي آموزش اين مخاطبان در کنار مراجعه به کلينک‌ها و آموزش محدود از رسانه‌هاي ملي، مطرح مي‌شود.

سومين دسته از مخاطبان را کودکان، نوجوانان و جوانان که پيش از سن ازدواج هستند، تشکيل مي‌دهند؛ اين گروه آسيب‌پذيرتر و آسيب‌زاتر هستند. اگر آموزش‌ها در اين دوره صحيح و کامل باشد، بسياري از مشکلات مخاطبان پيشين حذف خواهد شد. آموزش‌ها در اين دوره، علاوه بر شناخت نسبت به اين روابط، بايد شامل ارائه شناخت نسبت به اخلاق، آداب و احکام و خط قرمزهاي ارضاي اين نياز نيز باشد، به طوري که مخاطبان را نسبت به رعايت اين قوانين متقاعد و متعهد کند. بيشتر خانواده‌ها به دليل تابو ‌بودن صحبت درباره اين غريزه، ترجيح مي‌دهند گفتگو را به تأخير بيندازند يا بر عهده مدرسه بگذارند. در اين فاصله کودکان از طريق دوستان و با داستان‌هايي هول‌انگيز و شوک‌آور با اين رابطه آشنا مي‌شوند که تأثير نامناسبي بر آنها مي‌گذارد و گاه اين رابطه را به‌خصوص براي دختران به صورتي نفرت‌انگيز جلوه مي‌دهد.

سن آگاهي کودکان در اين زمينه به دليل رواج مشاهده شبکه‌هاي ماهواره‌اي و فيلم‌هاي نامناسب، حتي در مدارس اسلامي تا سال‌هاي اوليه دبستان پايين آمده است. از سوي ديگر گسترش روابط آزاد در سال‌هاي راهنمايي و دبيرستان و آسيب‌هايي که نوجوانان به آنها دچار مي‌شوند، ضرورت اين آموزش‌ها را بيشتر مي‌کند. بحث آموزش مسائل جنسي و همين‌طور پيشگيري از ايدز در مدارس کشور از برنامه‌هايي بود که اوايل دهه هشتاد با جديت پيگيري مي‌شد، اما با مقاومت‌هايي در ميان صاحب‌نظران مواجه شد، زيرا معتقد بودند طرح درس‌هاي برگرفته از منابع غربي و نحوه ورود به اين مباحث موجب قباحت‌زدايي و حيازدايي خواهد شد. از سوي ديگر نياز به اين آموزش‌ها بر هيچ کس پوشيده نيست.

خانم دکتر داعي‌پور، رئيس کلينيک «صبح صادق» که تاکنون کارگاه‌هاي آموزشي متعددي براي خانواده‌هاي دانش‌آموزان اجرا کرده است، اعتقاد دارد خانواده بايد اولين و اصلي‌ترين مرجع آموزش مسائل جنسي و انتقال ارزش‌هاي فرهنگي و ديني به فرزندان باشد و براي اين مهم بر اساس فرهنگ خودمان، آموزش ببيند تا بهترين نتيجه و کمترين آسيب به دست آيد. قدرت بايد به خانواده بازگردد و پدر که امروز تنها به تأمين معاش مشغول است، بايد دوباره همان قدرت مهرباني بشود که بود.

از نظر دکتر داعي‌پور، بسته‌هاي آموزش کشورهاي غربي، متناسب با فرهنگ آنهاست که دانش‌آموزان در دبيرستان اين رابطه را به طور کامل مي‌شناسند و تجربه مي‌کنند؛ خطوط قرمز و اصول اخلاقي و شرعي نيز در آن فرهنگ‌ با کشور ما تفاوت دارد. کشور ما و اهداف ما، يعني خويشتن‌داري به خاطر کرامت و شرافت تا موعد ازدواج، آموزش‌هايي را با شيوه‌اي ديگر مي‌طلبد.

دکتر داعي‌پور دو هدف اصلي را در بسته آموزشي کارگاه‌هاي خود دنبال مي‌کند؛ اول آنکه چگونه خانواده‌ها به جاي رسانه‌ها يا دوستان همسال، منبع اطلاعات صحيح براي فرزندان در اين خصوص باشند؛ به گفته او بسياري از والدين در مقابل سؤال‌هاي جنسي کودکانشان غافلگير مي‌شوند و نمي‌‌دانند چطور بايد به آنان پاسخ دهند. برخي والدين فرزند را براي پرسيدن چنين سؤالاتي به شدت سرزنش مي‌کنند و اين رفتار موجب حساسيت کودکان مي‌شود. برخي والدين به داستان‌هاي دروغين روي مي‌آورند و بدين‌سان اعتبار و اعتماد خود را نزد فرزندان از دست مي‌دهند.

هدف دوم دکتر داعي‌پور آن است که چطور مسئله جنسي را بدون ايجاد حساسيت براي فرزندان توضيح داده، آداب آن را آموزش دهيم؛ او تأکيد مي‌کند منظور از توضيح مسئله جنسي، بيان مکانيزم‌ها نيست؛ بلکه توضيح اين احساس نياز انساني است. گاهي در جامعه براي توصيف غريزه جنسي از تعابيري مانند غريزه حيواني يا امر کثيف و پليد و زشت بهره مي‌گيرند تا جوانان را متقاعد کنند که عفت بورزند، در حالي‌که امر شريف انساني است و کارکرد بسيار مهمي در سلامت افراد، رابطه عاطفي زن و مرد و ايجاد آرامش و مودت ميان همسران دارد.

مادر بايد به جاي تجسس در کار نوجوان در زمينه مسئله جنسي يا رابطه با جنس مخالف، براي او جا بيندازد تغييراتي که در نوجوان و روحيه او شکل مي‌گيرد، هر چند محترم است، اما هنوز خام است و او بايد به پختگي برسد تا بتواند در برابر طرف مقابلش تعهد جدي داشته باشد. نوجوان بايد بفهمد ارتباط جنسي تعهداتي در پي دارد و يکي از ويژگي‌ها و مناسبات عميق آن، وفاداري است. يعني طرف مقابل بايد به حدي مورد اطمينان و مقبول باشد و از نظر فکري چنان به او نزديک باشد که اجازه داشته باشد نزديک‌ترين ارتباط را با او برقرار کند. بدينسان ارتباط زناشويي به صورتي شريف و زيبا، اما با آداب و حريم‌هاي جدي معرفي مي‌شود.

4-3 ساير راهکارها

نظارت و کنترل خوراک‌هاي فکري و فرهنگي مردم و تغييرات ساختاري در نظام آموزش و پرورش و ساير ساختارهاي تأثيرگذار بر سبک زندگي، از جمله ديگر راهکارهايي به‌شمار مي‌آيد که در اينجا تنها به نام بردن از آنها بسنده شده است؛ البته نه از آن رو که اهميت کمي دارند بلکه به دليل اهميت بسيار زياد آنها و اينکه براي بررسي ابعاد گوناگونشان، به مثنوي هفتاد من نياز است. اينکه جامعه ايراني چطور مي‌تواند از اين هجمه فرهنگي و فکري جان به در برد و نقش خانواده و نظام حاکم بر کشور هر کدام چگونه تعريف مي‌شود، مسئله‌اي است که ذهن بسياري از صاحب‌نظران و دولتمردان را مشغول کرده است و ذکر آن تنها محض اشاره است و بيانش از بضاعت اين نوشته بيرون؛ مسئله تغييرات ساختاري نيز همين وضع را دارد.

مسئله جنسي در نگاه نظام جمهوري اسلامي

مسئله جنسي از دو رويکرد فرهنگي و جمعيت‌شناختي قابل بررسي است و طيفي از نگاه‌هاي گوناگون در خصوص اين مسئله وجود دارد. برخي که کشور را دچار بحران جنسي مي‌دانند و برخي آن را مسئله‌اي در کنار ساير مسائل مي‌شمارند. نظام جمهوري اسلامي در مجموع، کجاي اين طيف قرار مي‌گيرد و کدام رويکرد را به چه نحوي اتخاذ کرده است؟

برخي با رويکرد فرهنگي معتقدند نظام جمهوري اسلامي هنوز به اهميت مسئله جنسي و بحراني‌بودن شرايط پي‌نبرده است و به همين دليل تلاشي براي برون رفت از اين اوضاع نمي‌کند. دليل اين امر را هم گاه دور بودن مسئولان از بدنه جامعه و لمس نکردن اين بحران برمي‌شمارند، در حالي‌که بيشتر مسئولان کشور علاوه بر دسترسي به آمار محرمانه و غيرمحرمانه، دست کم از طريق فرزندان خود با اين مسئله درگير هستند و گاه شکاف نسلي و سبک زندگي جديد جوانان در اين خانواده‌ها نيز مشکلاتي را پديد آورده است.

علاوه بر اين، سخنان و موضع‌گيري‌ها و طرح‌هايي که دولتمردان جمهوري اسلامي از صدر تا ذيل ارائه مي‌دهند، نشان مي‌دهند، بيشتر آنان اهميت مسئله جنسي و رويکرد آسيب‌زاي آن را دست‌کم تا حدودي مي‌فهمند، اما راه‌هاي برون‌رفتي که اتخاذ مي‌کنند، کارآمد نيست. حساسيت به مسئله حجاب و عفاف در جامعه و اصرار براي اجراي طرح‌هاي امنيت اجتماعي و دستگيري باندهاي فساد حقيقي و اينترنتي و مبارزه با بدحجابي، نشانه آن است که مي‌دانند جامعه در اين زمينه آسيب‌پذير شده است. تصويب لايحه حمايت از خانواده، تأکيد بر مواردي مانند ازدواج مجدد براي حل مشکل زنان مطلقه يا دختران مجرد و تلاش‌هايي که براي رواج ازدواج موقت صورت مي‌گيرد، غالباًً بر اساس همين دغدغه‌هاست؛ تلاش براي ترغيب ازدواج‌هاي ساده دانشجويي، دادن وام‌هاي ازدواج يا تهيه خانه‌هاي ارزان‌قيمت، موارد ديگري از اين برنامه‌‌ريزي‌هاست که در عمل تغيير محسوسي را در روند نگران‌کننده موجود، پديد نياورده است، زيرا تهيه خانه‌هاي ارزان‌قيمت حتي اگر فراگير هم باشد، بدون ترغيب جوانان و خانواده‌هاي آنان به ازدواج در سنين پايين يا بدون تغيير در سبک‌هاي مدرن زندگي و باورهاي جديد ديني، چندان که بايد تأثيرگذار نخواهد بود.

دکتر کرمي در اين بخش نيز توجهات را به رويکرد جمعيت‌شناختي جلب مي‌کند و معتقد است نظام، مسئله را درست نمي‌بيند و جاهايي حتي گاهي سياه‌نمايي مي‌کند و مسئله را به‌طور طبيعي نگاه نمي‌کند. درست ديدن به اين معنا نيست که بتوان همه آنچه در حال رخ دادن است را مديريت کرد، بلکه با نگاه اميدوارانه مي‌توان به برخي مديريت‌هاي حداقلي اميدوار بود. براي مثال بررسي‌هاي جمعيت‌شناختي نشان مي‌دهد حدود 15 سال آينده، فشار کنوني فروکش مي‌کند، اما حدود 40 سال بعد دوباره بازمي‌گردد که بايد براي آن وضعيت، تهميداتي انديشيد.

--------------------------------------------------------------------------------

[1] روزنامه جام جم 2723 . 9/9/88 صفحه 17

[2] خبر آنلاين، 21 خرداد 1389

[3] سايت خبري تابناک، 19 فروردين 1387

[4] مجله حورا شماره 29، گفتگو با دکتر محمد صادق مهدوي

[5] مصاحبه با دکتر شيري، مجله اينترنتي ايران دخت

[6] مصاحبه با دکتر ابراهيم فياض، مجله هابيل، شماره 4

[7] همان

[8] مجله اينترنتي ايران دخت. چهارشنبه 1 ارديبهشت 89

[9] خبرآنلاين، 9 آبان 89